

جنگ ابزارهای ایرانیان در عصر ساسانی

مسلم میرزاوند^۱

چکیده:

اردشیر اول بنیانگذار شاهنشاهی ساسانی پس از آن که حکومت ملوک الطوایف - اشکانی - را برانداخت به تشکیل ارتشی منظم و نیرومند روی آورد ارتشی که سال‌های بعد توانست به کمک ابزار و آلات تعرضی و دفاعی در جدال با دشمنان ایران زمین به موفقیت‌های درخور توجهی دست پیدا کنند. جانشینان او هم در جنگ‌های تهاجمی و هم در جنگ‌های دفاعی قادر بودند تا به کمک سلاح‌های متنوع جنگی بسته به شرایط رزمی در برخورد با دشمنان خود در مکان‌های مختلف فنونی خاص به کار گیرند به گونه‌ای که در جدال با رومیان که در تهاجمات خود به سرحدات و نواحی داخلی ایران پس از هجوم و یغماگری عقب‌نشینی اختیار کرده و همواره در قلاع مستحکم خود آرایش دفاعی می‌گرفتند جهت تسخیر قلاع آنها از طریق منجنیق و دژکوب عمل کنند و در بسیاری از مواردی بر آن‌ها پیروز شوند و یا در جنگ با ترکان و اقوام بیابانگرد شرقی به پیروزی‌های قابل قبولی دست یابند که این امر محصول موارد مختلفی چون نیروی انسانی لازم، اقتباسات از ابزارآلات جنگی از دیگر ملل و حکومت‌های پیشین ایران، ابداعات جدید در زمینه اسلحه‌سازی، کارگاه‌های مناسب (جهت اسلحه‌سازی)، توان و مانور بالای نظامی، افزار جنگی بومی و سواره نظام نیرومند و قوی بوده است. هدف نویسنده در این پژوهش مختصر اطلاعات داده شده در مورد جنگ ابزارهای این دوره و نحوه‌ی به‌کارگیری آنها توسط ساسانیان در میدان جنگ می‌باشد که حتی الامکان سعی شده از منابع معتبر مربوط به این دوره برداشت گردد.

واژگان کلیدی: جنگ ابزار، ساسانیان، شاپور دوم، سلاح، قلعه، رومیان

۱. مدرس دانشگاه جامع علمی کاربردی مرکز اندیشک M mirzavand2011@yahoo.com

همان طوری که انسان‌ها برای دفاع و حفظ جان خود ابزاری به کار می‌گرفتند حکومت‌ها نیز برای حفظ سرزمین‌هایشان سپاهیان خود را به سلاح‌های مطمئن مجهز می‌کردند در این امر نیز حکومت‌های ایران هر یک به نسبت توان خود به این مسأله اهمیت می‌دادند شاهنشاهی ساسانی نیز از این امر مستثنی نبود زیرا که آنها از یک طرف برای سرکوب شورش‌های داخلی و از طرفی دیگر برای پایان دادن به طغیان‌های دشمنان خارجی خود به استفاده از سلاح‌های مفید و کارساز روی آوردند و توانستند با تغییر و تحولاتی که در ساخت ابزار جنگی حکومت‌های ایرانی پیش از خود، اقتباسات از دیگر ملل و همچنین ابداعات جدید صورت دادند جلوی تهاجمات و یغماگری‌های رومیان، ترکان و تازیان را در آوردگاه‌های مختلف سد کنند و در بیشتر جدال‌ها با پیروزی از میدان جنگ خارج شوند. حال در پی پاسخ به این سوال هستیم که ساسانیان چه تغییراتی در ابزارآلات جنگی ایجاد کردند؟ و چگونه از این ابزار جنگی در آوردگاه و یا جاهای دیگر استفاده نمودند؟ نگارنده با توجه به روش توصیفی - تحلیلی در این پژوهش در پی پاسخ گفتن به این سوال‌ها و سوالات دیگر در زمینه شناخت سلاح‌های نظامی ساسانیان می‌باشد و با تتبع در منابع دسته اول و منابع متأخر به موشکافی این موضوع پرداخته است امید است که مورد قبول واقع گردد.

تیر و کمان

تیر و کمان از سلاح‌های تعرضی دور برد بود که نه تنها در شکار حیوانات، بلکه در صحنه کارزار نیز مورد استفاده قرار می‌گرفت. در مورد پیدایش این سلاح بنا به گفته مؤلف «نوروزنامه»، نخستین کسی که کمان را بی‌استخوان و از چوب ساخت کیومرث بود. وی سپس ذکری از تیراندازی آرش می‌کند تا به کمان‌های دوره بهرام پنجم - گور - ساسانی می‌رسد. و باز می‌نویسد: «... بهرام کمان را با استخوان بار کرد و بر تیر چهار، پیر نهاد و کمان را توز پوشید...» (خیام، ۱۳۸۵: ۳۶-۳۴) این ندیم نیز در مورد خاصیت و انعطاف پذیری درخت توز (خدنگ) می‌نویسد: ایرانیان با درخت خدنگ یا توز که از

عفونت، پوسیدگی و آفت زمینی به دور بود و در عین حال که سخت و محکم بود، نرمی و دوامی را نیز دارا بود از آن کمان تیراندازی را ساختند. (۱۳۸۱: ۴۳۸).

این سلاح که در سرتاسر تاریخ ایران باستان و همچنین در تاریخ جهان نقش آفرینی کرده است، در واقع وسیله‌ای مکانیکی بود که «... قابلیت ذخیره انرژی ارتجاعی و تبدیل انرژی ارتجاعی را به انرژی جنبشی،...» (فرشاد، ۱۳۵۵: ۱۰۱-۱۰۰) را دارا بود. در ایران باستان شکل‌های مختلف از آن ساخته شده بود که در شکل ظاهری و کاربرد آن‌ها با کمان‌های سایر ملل تفاوت‌های دیده می‌شد. زه این کمانها را از پوست یا موی اسب و یا روده حیوانات درست می‌کردند (راوندی، ۱۳۸۷: ۱/۴۷۲). اما بیشتر به هنگام صلح زه کمان را باز می‌کردند تا قابلیت ارتجاعی خود را از دست ندهد و همواره برای مراقبت آن از روغن مخصوصی که صمغی زرد رنگ به نام «سندروس» بود استفاده می‌کردند (نژاد اکبری، ۱۳۸۷: ۲۵۸). با تمام این مراقبت‌ها که می‌شد از یک کمان خوب انتظار می‌رفت ویژگی‌هایی همچون قدرت پرتاب زیاد، تاب نداشتن، مناسب بودن زه و جنس آن، سائیدگی و خوردگی نداشتن، اندازه بودن آن از نظر طول و مناسب بودن جای دست در وسط کمان را داشته باشد.

ساسانیان چندین نوع از کمان را که چوبی، فلزی و شاخی بود، در جنگ استفاده می‌کردند؛ اما تفاوت بارز کمان‌های این دوره با کمان‌های اقوامی همچون آشوری و اشکانی در انحنای نهایی و میزان خمشی آن‌ها بود تا به این طریق انرژی بیشتری در خود ذخیره سازد (فرشاد، ۱۳۵۵، ۱۰۷). افزون بر این‌ها زاویه مرکزی را با کشیدن کمان کوچک می‌نمود، در نتیجه نیروی کشش که در پرتاب تیر نقش داشت، افزایش می‌یافت (همان: ۱۰۸). بنابراین به تیرانداز این اختیار را می‌داد تا از مسافت دورتری اقدام به تیراندازی کند. تیرهای این دوره نیز به مانند خود کمان از چوب ساخته می‌شد و آن در فارسی «... تیگر و در اوستا تیگر...» (پورداد، ۱۳۴۶: ۳۲) آمده است. تیر را ابتدا با نی و سپس با چوب گز و پیکان آن را با مفرغ و آهن که گاهی آن را با زهر آب می‌دادند، می‌ساختند و در صورت نیاز نیز آخگر و آتش به یک طرف تیر می‌بستند تا اسباب طرف مقابل را آتش بزنند. چنین می‌نماید که هدف از بستن فلزات و زهرزدن تیرها آن بوده باشد تا به هنگامی که در درون عضوی از بدن فرو می‌رفت هنگام خارج

کردن منجر به زخم‌های عمیق و حتی مرگ شود. معمولاً قسمت انتهایی تیر را نیز به خاطر آن که سرعت و تعادل لازم را داشته باشد، و در جهت پرش بهتر به هدف اصابت کند، پر انواع پرندگان نصب می‌کردند. هر سرباز ساسانی موظف بود که «... سی شاخه خدنگ ...» که تیر را با آن می‌ساختند با خود داشته باشند. طول این تیرها تا ۸۵ سانتیمتر نیز می‌رسید. کمان‌های دوره ساسانی علاوه بر تیرهای عادی که به شکل پیکان بود، تیرهای مخصوصی به نام «پنجگان» داشته، که بسیار خطرناک بود. شکل این تیرها مانند پنجه‌ی دست بود. بعضی بلند و بعضی کوتاه که این سلاحی معروف در بین سپاهیان ساسانی بود (مشکور، ۱۳۴۸: ۲/۱۳۲۹) و می‌توان حدس زد به کارگیری این تیرها زخم‌های عمیق‌تر و وسیع‌تری ایجاد می‌کرد.

علاوه بر این دستگاه ابداعی که اولین بار سپاهیان «وهرز دیلمی» از سرداران ایرانی خسرو اول در فتح و تسخیر یمن از آن استفاده کرده‌اند و طبری آن را با همین نام پنجگان (۱۳۶۸: ۲/۶۹۷) و مقدسی فرجان (۱۳۸۱: ۱/۵۳۵) ذکر کرده است مردانی نیز بودند که می‌توانستند کمان را با هر دو دست خود نگه دارند و تیراندازی کنند. کسانی که این توانایی را داشتند، ارج نهاده و پاداش می‌دادند. به هر تقدیر از هر فرد تیرانداز انتظار می‌رفت تا چهار معیار مشخص از جمله قدرت رخنه و نفوذ، سرعت پرتاب، تعداد تیرهای پرتاب شده و درستی پرتاب‌ها را رعایت کنند (فرخ، ۱۳۸۷: ۲۵). برد نهایی تیر کمان‌های این دوره ۱۷۵ متر؛ اما بُرد مؤثر برای درستی اصابت به هدف، ۵۰ تا ۶۰ متر ذکر شده است (همان: ۲۴). آمیئن مارسلن در مورد کمان‌های دوره ساسانی می‌نویسد: «... سر این کمان‌ها از دو طرف خیلی برگشته و کشیدن زه آن‌ها هم خیلی سخت و مشکل بود، ولی همین که تیرهای آهنین آن‌ها از شست رها می‌شد، به هر کجای بدن شخص فرو می‌رفت، آن شخص را به دار دیگر می‌فرستاد ...» (۱۳۱۰: ۶۴). از جمله پروکوپیوس نیز با این که ایرانیان را تیراندازان ماهری می‌داند، زه کمان‌های ایرانی را ضعیف‌تر از رومیان ذکر کرده است (۱۳۸۲، ۹۰).

با توجه به مطالب گفته شده در مورد تیروکمان می‌توان گفت که پروکوپیوس قضاوتی مغرضانه داشته است، شواهد این گفته را، بیش از همه تصاویر بر جای مانده در این دوره به دست می‌دهند. زیرا که در یکی از تصاویری که از خسرو پرویز در نقش برجسته

طاق بستان کرمانشاه به یادگار مانده است شاه به همراه خدمه سلطنتی درون قایقی ایستاده و در حال کشیدن زه کمان است که این تصویر نشان از انعطاف‌پذیری بالای زه کمان‌های این دوره دارد.

تیردان

ابزاری که جهت نگهداری دسته‌ی معینی تیر توسط تیرانداز مورد استفاده قرار می‌گرفت. واژه‌ی تیردان در اوستا «اکن» و در پهلوی «کنتیر» و در فارسی «ترکش» آمده است (پورداود، ۱۳۴۶: ۴۱). اندازه‌ی طول و عرض تیردان‌ها بسته به دوره‌های مختلف متغیر بوده است. در تمامی سنگ نگاره‌های به جا مانده از هخامنشیان تنها شکل تیردان بدون تیر را می‌توان مشاهده کرد. که این خود جای پرسش است که به چه دلیل در تیردان‌های این دوره انتهای تیرها نمایان و قابل مشاهده نمی‌باشد؟ به نظر می‌رسد عدم ظهور تیر در تیردان مفهوم صلح باشد. یا شاید به دلایل سیاسی یا فرهنگی تیردان را می‌بایست در کاخ‌ها خالی نشان دهند.

به هر حال در دوره ساسانی نیز مانند دوره‌های قبل تیردان‌ها در حال تغییر بوده‌اند. تیرانداز وظیفه داشت تا تیردان خود را بر دوش چپ افکنده و به وسیله زبانه‌ای چرمی آن را بر دوش خود گره زند. (حکمت، ۱۳۵۰: ۸-۱۸۷) تا در صورت نیاز از آن استفاده نماید. این کار باعث می‌شد تا تیرانداز نه تنها این اجازه را پیدا کند تا از هر دو دست خود برای دفع دشمن و یا شکار استفاده نماید، بلکه این فرصت را هم بدست می‌آورد تا ضمن اینکه دشمن را زیر نظر داشته باشد تیر را از تیردان پشت سر خود بردارد و به این خاطر هم بود که هر تیرانداز وظیفه داشت تا سی تیر در تیردان خود داشته باشد و آن‌ها را حمل کند. اردشیر و شاپور اول دو تن از نخستین شاهان این سلسله در نقش برجسته‌ی فیروزآباد تیردان با خود دارند (شپیمان، ۱۳۸۴: ۱۱۵) این نقش برجسته در حقیقت گویای سه صحنه است، صحنه اول که مبارزه‌ی اردشیر اول با اردوان اشکانی را نشان می‌دهد، تیردانی مشاهده (دیده) نمی‌شود اما در دو صحنه‌ی دیگر که مربوط به شاپور اول می‌باشند، تیردان‌ها بخوبی مشاهده می‌شوند.

در این تصویر تیردان در پهلوی راست اسب شاپور دیده می‌شود که سر تیرها از تیردان بیرون آمده و شکل تیردان مانند تیردان‌های عصر اشکانی استوانه‌ای است. در این جا مقدار تیری که از تیردان بیرون آمده، در مقایسه با تیردان‌های دوره اشکانی بیشتر است و تیرها بلند و کشیده‌تر هستند. هم‌چنین نمونه‌ای از همین نوع تیردان نیز که مربوط به عصر هرمز دوم است، وجود دارد این تیردان نیز در پهلوی راست اسب هرمز دوم بسته شده است. در این صحنه، طول تیردان مشخص می‌کند که بلندی تیرهای این عصر تا چه اندازه بوده است.

نیزه

شاید بتوان گفت که برای انسان نیزه به شکل درستی از به کار بردن چوب در شکار و جنگ بوده و آن نخستین جنگ ابزار ساخته شده‌ی دست بشر است و محتملاً^۱ به همین دلیل کهن‌ترین جنگ ابزار نیز می‌باشد. چنین آورده شده که بعد از تیر و کمان آن را باید در ردیف دومین سلاح نام برد (نژاد اکبری، ۱۳۸۷، ۸۷). ایرانیان روزگار باستان از این جنگ ابزار استفاده کرده‌اند نیزه در اوستا و پارسی باستان «ارشتی» آمده و در پهلوی نیز «نیچک» ذکر شده که معرب آن «نیزک» می‌باشد (پورداد، ۱۳۸۲: ۴-۷۱). ایرانیان کسانی را که می‌توانستند نیزه‌پرانی کنند ارج می‌نهادند. داریوش اول هخامنشی در بند ۹ کتیبه بیستون به نیزه‌زنی خود تفاخر می‌کند و در این که سواره و پیاده نیزه می‌زند، خوشحال و خرسند است (شارپ، ۱۳۸۴: ۹۱). بر طبق روایت حمزیا صفهانی شاپور اول ساسانی به هنگام جلوس بر تخت در دستش نیزه افراشته داشته است (اصفهانی، ۱۳۶۷: ۴۷). در این دوره نظامیان می‌توانستند نیزه را به دو دست حمل کنند و همین امر باعث معلق بودن نیزه در دست جنگجو می‌شد و هم به حفظ و نگهداری نیزه و هم به تعادل سوارکار کمک می‌کرد (فرخ، ۱۳۸۷: ۲۳). گروهی که جناح چپ را در جنگ اداره می‌کردند، معمولاً از افراد چپ دست انتخاب می‌شدند، سوار چپ دست قادر بود از هر دو دست چپ و راست به یک میزان نیزه‌ها را از هر دو طرف، یعنی چپ و راست پرتاب کنند (همان: ۴۶). نیزه‌های این دوره نیزه‌های بلند و از هر دو سر تیز و برنده بود این امر باعث می‌شد تا سرباز بتواند با چرخاندن آن در دست با دو سر آن که

گاه بصورت شمشیر و یا خنجر نیز بود به دشمن ضربه وارد نماید. آن چنان که از منابع دیگر برمی آید «یولیانوس» (ژولیانوس یا ژولین) امپراتور روم که خود را تالی اسکندر، سزار و پمپئوس می دانست، در جنگ با ایرانیان به وسیله نیزه ای زخم برداشت و از آن درگذشت آمیئن مارسلن که خود شاهد این واقعه بوده، وصف جالبی از زخمی شدن امپراتور به وسیله نیزه نظامیان ایرانی می کند، وی می گوید: «... معلوم نشد از کدام طرف سواری بغتاً نیزه ای به طرف امپراتور پرتاب کرد بازویش را خراشیده، میان دنده های او رفته، به قسمت تحتانی کبد فرو نشست، معظم له خواست با دست راست سر نیزه را از بدن بیرون کشد که ناگاه تیزی دو طرف نیزه رگ انگشتان وی را بریده معظم له را از خانه زین به زمین انداخت...» (۱۳۱۰: ۱۰۳). هم چنین هنگامی که ثعالبی از جنگ بهرام چوبین و خسرو پرویز یاد می کند، به ما می گوید که در کشاکشی که بین آن دو، بر سر تخت و تاج رفت، با شکستن نیزه بهرام چوبین، خسرو فاتح شد و بهرام به خاقان ترک پیوست. (ثعالبی، ۱۳۶۸: ۴۲۸). بی شک پیروزی خسرو مدیون نیزه فولادی او بوده است این تنها نخستین بار نبود که در جنگ های داخلی نامی از نیزه در دوره ساسانی ذکر شده است. در واپسین سال های این حکومت نیز نقش خود را برای خاندان ساسانی به خوبی ایفا نمود، آن جا کهسرداری به نام «شهربراز» «اردشیر» شاه خردسال را کشت و خود به عنوان شاهنشاه چند روزی بر تخت خاندان اردشیر جلوس کرد، در میان لشکریان او سه برادر که اهل اسطخر فارس بودند، به فکر قتل غاصب تاج و تخت برآمدند، و «شهربراز» را در حین سواری از پشت به وسیله نیزه ای از پای درآوردند (میرخواند، ۱۳۸۰: ۹-۲/۹۴۸). دیگر این که در یکی از تصاویر برجا مانده در نقش رستم، سواری از ساسانیان دیده می شود که نیزه در دست دارد و چهار نعل به جانب دشمن می تازد، نیزه دشمن در اثر ضربت خرد شده است (کریستن سن، ۱۳۸۴: ۱۵۵). که این خود نشان از قدرت، دوام و محکمی این ابزار جنگی دارد.

تبر و تبرزین

ابزاری فلزی و نوعی از سلاح با دسته ی چوبی که برای قطع درختان و یا در جنگ ها از آن استفاده می شد. این جنگ ابزار از دوره هخامنشی تا انقراض سلسله ی ساسانی

همواره کاربرد داشته و سواره‌نظام از آن به عنوان یک جنگ ابزار بیدک استفاده کرده است (حکمت، ۱۳۵۰: ۱۸۶) ولی در دوره ساسانیان، این ابزار جزء سلاح‌های سازمانی سواره‌نظام به حساب می‌آمد (ذکاء، ۱۳۵۰: ۱۳۷) آنها این سلاح را برپهلوی زین اسب خود می‌بستند تا در صورت نیاز در میدان کارزار از آن استفاده نمایند. افزون بر نظامیان، شاهان ساسانی نیز خود تبرزین را به کار می‌گرفتند. حمزه اصفهانی که خصوصیات فردی و نوع پوشش و سلاح شاهان ساسانی را در کتابش ذکر کرده است، از سه تن از شاهان این دوره یعنی شاپور دوم، پوران دخت و آذرمی دخت به هنگام نشستن بر تخت یاد می‌کند که تبرزین به دست داشته‌اند (۱۳۶۷: ۹-۵۰). حتی این بلخی نیز ابداع این سلاح را به انوشیروان نسبت می‌دهد، اگرچه در صحت آن تا حدی شک و تردید است وی در داستان کشته شدن مزدک و مزدکیان چنین می‌گوید: «... اولین کسی که تبرزین و ناچخ ساخت انوشیروان بود و از بهر این کار ساخت تا مزدک را بدان زخم کند، کسی شمشیر نمی‌توانست داشت و انوشیروان به یک زخم سر مزدک در کنارش افکند...» (۱۳۸۵: ۹۰) بنا به نظر فوق گویا چون در مجلس قتل و عام مزدک و طرفدارانش انوشیروان بر حسب شرایط و چه بسا از ترس مزدک و طرفدارانش نمی‌توانست آشکارا سلاح در دست بگیرد، بنابراین تبرزین را ساخت و آن را زیر لباس خود پنهان نمود تا در یک فرصت مقتضی مزدک را با آن از بین ببرد.

در اواخر حکومت ساسانی و در کودتای شیرویه - قباد دوم - بر علیه خسرو پرویز نیز از این سلاح یاد شده است. آن جا که شیرویه «مهرهمزد» نامی را مأمور قتل خسرو پرویز نمود و وی نیز با تبرزینی شاهنشاه را از بین برده و به وسیله این ابزار جنگی به حیات او پایان می‌دهد. (بلعمی، ۱۳۸۶: ۱۰۰۸). با این تفصیل به خوبی در می‌یابیم که ساسانیان نه تنها با این سلاح آشنایی داشته‌اند، بلکه از آن نیز در جاهای مختلف استفاده کرده‌اند.

زوبین

نیزه کوتاه را در فارسی «زوبین» می‌نامند. این وسیله یکی از ابزار جنگ بود که در نبرد به کار گرفته می‌شد. در آغاز، ساخت آن از چوب بود رفته رفته به نوک آن فلز تیز و

برنده بسته شد، تا این که به مرور شکل فلزی آن به وجود آمد. طول آن در حدود یک متر بوده و شخص زوبین انداز باید آن چنان ماهر باشد تا بتواند به یک ضربت زوبین را به سمت هدف پرتاب نماید (سامی، ۱۳۸۹: ۱/۳۷۰) در واقع زوبین افکندن از فنون مهم جنگی به شمار می‌رفت که نیازمند تسلط و مهارت کافی بوده و جنگاوران در این زمینه آموزش بسیار دیده، تمرین‌های فراوان می‌کردند (حکمت، ۱۳۵۰: ۱۹۱). نوعی از آن، هم که دو شاخک داشت در جنگ‌های تن به تن مورد استفاده قرار می‌گرفت (فرخ، ۱۳۸۷: ۴۰). انداختن و به کار بردن این ابزار، هم کار پیادگان بود و هم کار سواران (سامی، ۱۳۸۹: ۱/۳۷۰). به نظر می‌رسد که نوع چوبی آن که هم سبک وزن و هم به وفور در دسترس بود، باعث استفاده هردو گروه پیاده و سواره از زوبین شده باشد. اگرچه در بحث نیزه اشاره کردیم که ژولین امپراتور روم از ضربت نیزه کشته شد، اما برخی از تحقیقات جدید برآنند که در حدود تیسفون و به ضربت زوبین یک سرباز ایرانی کشته شده است (زرین کوب، ۱۳۷۴: ۱۹۷) بنابراین محتمل می‌نماید که گروه زوبین اندازان در این دوره به حد کافی در سپاه وجود داشته و صنف و یا رسته ای از ارتش بوده باشند. آن‌ها با پرتاب پیاپی خود دشمن را آزار می‌دادند به طوری که پروکوپ گزارش می‌دهد گروهی از زوبین اندازان در دوره‌ی خسرو انوشیروان و در محاصره‌ی شهر «دارا» شرکت داشته و به وسیله پرتاب زوبین‌های پیاپی خود، مدافعان بی‌شمار آن را مغلوب ساخته‌اند (پروکوپ، ۱۳۸۲: ۱۶۳) روی هم رفته این سلاح از جنگ ابزارهای تعرضی و مفید نظامیان دوره ساسانی و دارای اهمیت بوده است.

گَرز

۷

از آثار مکشوفه‌ی به دست آمده در لرستان و دیگر نقاط ایران گرزهای سنگی و برنزی است و این خود قدمت استفاده از گرز را در ایران نشان می‌دهد. هم‌چنین در دوره‌ی اساطیری ایران از گرز گاوسری که آهنگران - به یادگار گاوی که فریدون را شیر داده بود- ساختند و معروف به گرز گاوسر شد، نیز ذکری به میان آمده است. استفاده از این سلاح و تحمل وزن و سنگینی آن به نسبت قدرت و شجاعت افراد بستگی داشت (حکمت، ۱۳۵۰: ۱۸۶). به گفته‌ی یکی از تاریخ‌نویسان، همین گرز ساده که

نخست از چوب بود پس از چندی با آهن و فولاد پوشش داده شد و تیغ‌ها و میخ‌های پرچ دار در آن به کار رفت و در میادین جنگ، ابزاری کارساز و سهمگین گشت (پور داود، ۱۳۸۲: ۸۲) و در پهنه‌ی کارزار از ساز و برگ یلان و نامداران گردید (پور داود، ۱۳۴۷: ۵۴). بیشتر کاربرد و استفاده از آن توسط سربازان در جنگ‌ها به این خاطر بود، تا زره دشمن را تکه تکه کنند (فرخ، ۱۳۸۷: ۲۳) و یا برای خرد کردن جمجمه و قتل سربازان دشمن از آن در آوردگاه استفاده نمایند. طول، ارتفاع و وزن این سلاح، بسته به شرایط متغیر بوده و نمی‌توان اندازه آن را به طور مشخص تعیین نمود تنها می‌توان حدس زد که طول آن درحد یک متر بوده است. مورخان روایتی را ذکر می‌کنند که در آن شجاعت و استفاده از گرز به وسیله‌ی بهرام پنجم -گور- قابل ستایش است. هنگامی که موضوع جانشینی یزدگرد اول پیش آمد، بزرگان خسرو نامی را به شاهی برگزیدند. بهرام از حیره عزم تیسفون کرد و حکومت را حق خود دانست، این کشمکش‌ها باعث یک مسابقه بین آن‌ها شد، قرار بر آن شد تا تاج شاهی را در میان دو شیر گرسنه گذاشته و هر کدام که موفق به کشتن شیرها شوند، شاهی را تصاحب کنند. بهرام بلافاصله جرأت کرده، دوشیر گرسنه را با گرز از بین می‌برد و تاج را بر سر می‌نهد (ابن بلخی، ۱۳۸۵: ۸-۷۷). اگرچه در صحت این روایت تا حدودی شک و تردید است و کسانی مثل (نولدکه، ۱۳۷۸: ۷۴) آن را نپذیرفته‌اند، اما این نکته را می‌رساند که گرز در آن زمان به عنوان یک ابزار جنگی قدرتمند در آوردگاه مورد استفاده قرار گرفته است. هم‌چنین یکی دیگر از مورخان که در کتابش شمایل شاهان ساسانی را با اسلحه‌ی آن‌ها ذکر کرده، از دو تن از شاهان ساسانی، یعنی بهرامگور و خسرو انوشیروان نام می‌برد که به هنگام جلوس در دستشان گرز بوده است. (اصفهانی، ۱۳۶۷: ۵-۵۳).

فلاخن

فلاخن از سلاح‌های تعرضی دور برد به شمار می‌رفت و آن رشته‌ای از نخ یا مو و پشم بافته شده بود که سربازان با آن از جایی به جای دیگر سنگ پرتاب می‌کردند، ابداع آن نیز به انسان‌های نخستین بازمی‌گردد. ایرانیان نیز از قدیم با آن آشنا بوده‌اند و در متون ایرانی خاصه اوستا «فراذخشنا» ذکر شده است (تاج بخش، ۱۳۸۱: ۲۷۵). کاربرد این

ابزار در درگیری و زد و خوردهای نزدیک بود (پور داود، ۱۳۴۷: ۵۴) در دوره ساسانیان این سلاح به پیادگان سبک اسلحه اختصاص داشت، این گروه سنگ انداز، دشمن را با گلوله‌های سنگی که از فلاخن خارج می‌شد به ستوه در می‌آوردند. هدف و ضربه‌پذیر بودن گلوله (گروهه-خلوله) رها شده در فلاخن بسته به نیرو و توان بازوی سنگ انداز و ورزیدگی و چالاکی وی داشت (پور داود، ۱۳۸۲: ۱۲۵). اگرچه این سلاح نسبت به جنگ افزارهای فلزی ساسانیان کمتر استفاده می‌شد، اما گهگاه که توسط دشمنان در قلعه حصار می‌شدند، مواد مشتعل در فلاخن کرده و بر سر مهاجمان می‌انداختند. نوشته اند هنگامی که سپاه یولیانوس قلعه‌ی «پیروز شاپور» را به محاصره درآورد، مدافعان ایرانی از بالای قلعه مذکور با فلاخن، سنگ و کلوخ در به پراکنده ساختن نیروهای رومی استفاده برده‌اند. (مارسلن، ۱۳۱۰: ۶۵) دیگر این که در جنگ نهاوند که به گفته‌ی اکثر مورخان در سال ۲۱ ه.ق رخ داده است ایرانیان بوسیله کمان و فلاخن محل عملیات اعراب مسلمان را هدف قرار داده مانع کار آن‌ها گردیدند (قوزانلو، ۱۳۱۵: ۱/۳۲۸)

شمشیر

شمشیر وسیله‌ای از آهن بود که در کارزار برای دفع و کشتار دشمنان از آن استفاده می‌شد، اختراع این سلاح برحسب تعبیر بلعمی به جمشید نسبت داده شده است (۱۳۸۶: ۱۷۷). این مطلب را نیز خیام ذکر کرده است، وی می‌گوید: نخستین گوهری که از کان بیرون آوردند، آهن بود و نخستین کس که از آن سلاح ساخت جمشید بود و باز می‌نویسد، هیچ از شمشیر با حشمت‌تر و بایسته‌تر نیست، سپس در ادامه چهارده گونه از این سلاح را ذکر می‌کند (۱۳۸۵: ۶-۳۴).

این اسلحه در جنگ‌های ایران باستان بسیار کاربرد داشته و به دیگر سخن از هخامنشیان تا ساسانیان شمشیر «... نبرد افزار اصلی رزمگاه...» (حکمت، ۱۳۵۰: ۱۹۱) بوده است. در دوره مورد بحث نیز شمشیر به سواره‌نظام اختصاص داشت، شمشیرهای این عصر بلند، راست، پهن و دو دمه بود که به وسیله تسمه‌ای چرمی که از غلاف آن عبور می‌کرد، به دو طرف کمر بسته می‌شد (ضیاء پور، ۱۳۴۳: ۵-۲۹۴) و هر یک از تسمه‌ها از داخل یک اتصال P شکل که بر روی غلاف قرار داشت، گذر می‌کرد، تغییر

دادن انحنای آن به سرباز این اجازه را می‌داد، تا شمشیر را با سرعت بالاتری از غلاف بیرون کشد (فرخ، ۱۳۸۷: ۲۱). تیزی آن‌ها نیز نسبت به دوره‌های قبل (اشکانیان) دو برابر شمشیرهای دیگر بوده است (پوربهمن، ۱۳۸۶: ۱۷۱). این سلاح را می‌توان در سنگ نگاره‌ها و نقوش برجسته ساسانی نظیر تنگه چوگان بیشاپور، نقش رجب، سراب بهرام و طاق بستان مشاهده کرد.

همچنین شمشیرهای این دوره در مقایسه با شمشیرهای اشکانیان بلندتر و نازک‌تر بودند، ساسانیان طول آن را در حدود ۱۱۰ سانتی متر و عرض آن را به ۵ تا ۸ سانتی متر افزایش دادند (فرخ، ۱۳۸۷: ۲۰). اما بیشتر تغییرات آن مربوط به دسته‌ی شمشیر بود که نقش این سلاح را در سنگ نگاره‌های بیشاپور و نقش رجب می‌توان مشاهده کرد (همان جا). با این که سرزمین ایران خود از معادن آهن برخوردار بود گاهی نیز آن را از هندوچین وارد می‌کردند تا در کارگاه‌های ساخت شمشیر از آن استفاده شود. شمشیر در دست داشتن به هنگام بر تخت نشستن برای تمامی شاهان معمول بوده است و آن چنان حائز اهمیت بود، که هنگامی که شاهی را از تخت به زیر می‌کشیدند، شمشیرشاهی را از او بازپس می‌گرفتند.

آورده‌اند هنگامی که بزرگان، هرمز چهارم را از تخت به زیر کشیدند، تاج و کمر بند و شمشیر و قبای او را گرفته، برای خسرو پرویز که در آذربایجان بود، فرستادند (دینوری، ۱۳۸۴: ۱۱۳) در اواخر این دوره در شکل این سلاح تغییراتی به وجود آمد به این ترتیب که «... غلاف‌ها و دسته‌های شمشیر ... توسط ورقه‌های نازکی از نقره و طلا تزئین شده بود، ورقه‌ای در اطراف و در پشت غلاف پیچیده شده بود و در آن جا لبه‌ها به هم می‌رسیدند و تکه‌ای باریک و صاف اضافه می‌شد تا محل اتصال را محکم‌تر کند. پشت غلاف نیز معمولاً با شیوه‌ی حرکات مارپیچی سلتی تزئین می‌شد، قسمت جلو غلاف همانند کلاه خود اسپانگن هلم [چند تکه] با طرح پرهای پرنده و رنگارنگ تزئین می‌شد...» (فرخ، ۱۳۸۷: ۲۲) با این همه در دوره‌ی فتوحات اعراب مسلمان و فروپاشی این حکومت دیرینه سال و تصرف اموال ایرانیان علاوه بر جامه‌ها، گوهرها، ادویه و عطریات از جمله‌ی غنایم به دست آمده شمشیرهای معروف خسرو دوم و نعمان بن منذر بودند که به نزد خلیفه عمر، به مدینه فرستاده شدند (کریستن سن، ۱۳۸۴: ۳۶۲)

زره عبارت بود از لباس جنگی که از چرم یا حلقه‌های فلزی بافته می‌شد و سربازان هنگام جنگ به تن می‌کردند. نظامیان ایرانی از دیرباز بخش‌هایی از بدن خود را به وسیله زره می‌پوشاندند. سپاهیان ساسانی انواعی از زره‌های چندلایه، زره ورقه ورقه، زره پولکی یا فلسی و جوشن استفاده می‌کردند. در یکی از کتاب‌های پهلوی که در دست داریم، از زره حلقه حلقه و زره چهار پاره یا چهار تکه یاد شده است (یادگار زیران، ۱۳۷۴: ۵۲) زره این دوره سازمان یافته بود و از جوشن سینه که در اصل به شکل سینه و شکم برجستگی‌های آن از رویه آهن همواره ساخته شده بود. این جوشن تا جای کمربند همراه است و پس از آن از زیر کمربند تکه‌های کوچک آهن همانند به نوک پر و بال پرندگان از میان اندک اندک تا ران‌ها آویخته و دامن زره را تشکیل می‌دهد (حکمت، ۱۳۵۰: ۱۹۵) در مقایسه با دوره‌ی پارتیان که زره‌های پولکدار می‌پوشیدند، سواران ساسانی بیشتر از زره‌های زنجیری استفاده می‌کردند. (شییمان، ۱۳۸۴: ۱۱۴) آمیئن مارسلن افسر رومی و مورخ قرن چهارم میلادی که خود در جنگ‌های رومیان با شاپور دوم شرکت داشته است در وصف زره ایرانیان به ما می‌گوید: «... سراپا این گروه [ایرانیان] غرق آهن و فولاد بود و طوری قطعات آهن را به اندازه اعضا بدن درست کرده بودند که محل اتصال آن‌ها با یکدیگر مطابق بود با سربند اعضای بدن و بدین جهت هیچ مانعی از برای حرکت آن اعضا تصور نمی‌رفت...» (مارسلن، ۱۳۱۰: ۹۷) وی در جایی دیگر در مورد مقاومت زره این دوره باز می‌نویسد: «...هیچ یک از تیرهای ما هم به بدن آن‌ها [ایرانیان] کارگر نمی‌گشت و تماما" به زره فولادین خورده می‌افتاد...» (همان: ۷۴) سواره‌نظام سنگین اسلحه را گویا به خاطر داشتن همین زره سنگین بود که تنوریک می‌خواندند (نولدکه، ۱۳۷۸: ۱۹۴). ولی این به آن منظور نبود که تنها سواره‌نظام سنگین اسلحه که از نجبا تشکیل می‌یافت حق داشتن زره را دارا بودند بلکه پیاده‌نظام این دوره نیز از زره‌های چرمی و پوستی استفاده می‌کردند. به هر حال زره در دوره ساسانی اغلب در حال تغییر و تحول بود و این نوع زره‌ها را می‌توانیم در نقش برجسته‌های این دوره مثل نقش برجسته‌ای که شاپور اول را در حال

اسبیر کردن والریانوس امپراتور روم نشان می‌دهد، مشاهده کنیم. با این همه سیستم زره این دوره به گونه‌ای طراحی شده بود که آزادی حرکت و قدرت مانور و عملکرد لازم را در فرد فراهم می‌کرد (فرخ، ۱۳۸۷: ۲۸) جوشن نیز برای محافظت از قسمت‌های شکننده بدن مثل مفاصل دست و زانو استفاده می‌شد تا با این شیوه، اعضای بدن در امان باشند. آورده‌اند که به روز قادسیه پارسیان زره استوار و جوشن دوگانه برتن داشتند (البلاذری، ۱۳۶۴: ۲۲). با این همه نه تنها سواره‌نظام زره بر تن داشت، بلکه اسبان این صنف را نیز به وسیله پوشش ویژه‌ای به نام «برگستوان» که زره مخصوص اسبان بود حفظ می‌کردند (نیرنوری، ۱۳۴۵: ۱۷۴) رفته رفته نیز برگستوان آنها از چرم به فلز تغییر یافت و تمام پیکر اسب را که در جنگ می‌توانست آسیب ببیند، پوشاند.

سپر

سپر از جنگ ابزارهای دفاعی بود که سربازان در جنگ‌ها با خود بر می‌داشتند و به هنگام زد و خورد، روی سر یا جلو سینه می‌گرفتند تا از شمشیر و نیزه‌ی دشمن در امان بمانند (فرهنگ عمید، ۱۳۸۱: ۲/۱۱۶۶). سپرها مختلف و با اشکال دایره، لوزی و مستطیلی بودند. اما بیشتر سپرهای عهد ساسانی مدور بود (حکمت، ۱۳۵۰: ۱۹۴). طول آنها گاهی به یک متر نیز می‌رسید. در ادوار مختلف تاریخی ایران وزن، قطر و شکل آنها هیچ‌گاه یکسان نبوده، با توجه به شرایط گاهی آن را از چوب سبک و نازکی که بر روی آن چرم می‌کشیدند و گاه نیز سپر را از فلزاتی نظیر مس و یا طلا که بسیار نرم بود تزیین می‌شد، می‌ساختند. سربازان این ابزار را در دست چپ می‌گرفتند. سطح آن را نیز محدب می‌ساختند تا ضمن این که تیر خصم را منحرف می‌کرد دشمن نتواند به آسانی آن را پاره کند (همان: ۳-۱۹۲). در نتیجه جان جنگجو به این شکل در امان می‌ماند. هم‌چنین در این دوره از سپر بلند و ضخیمی به نام «کیلیکیا» یاد شده است این سپر که بیشتر توسط پیادگان - پایگان - و نگهبانان قلعه‌ها استفاده می‌شد دو خاصیت نیکو داشت، نخست برای دفاع مناسب بود و دیگر آن که برای ایجاد استتار در عملیات‌هایی که به منظور نقب‌زنی صورت می‌گرفت به کار می‌آمد (فرخ، ۱۳۸۷: ۲۶). نوع دیگر سپر‌هایی که در اواخر دوره‌ی ساسانیان از آن استفاده می‌شد، سپر حصیری

بود. این سپر نیز به مانند سپر کیلیکیا دو خاصیت داشت، نخست زمانی که پیاده‌نظام تیرهای خود را پرتاب می‌کردند، بلافاصله از آن به عنوان محافظ خود استفاده می‌کردند و دوم آن که از سر و گردن سرباز در جنگ‌های تن به تن محافظت می‌نمود(همان: ۲۷).

کلاه خود

ابزاری فلزی که وسیله پوشش سر و صورت جنگاور بود. به دیگر سخن یک کلاه خود عبارت بود از یک پر، یک گنبد و یک گوی. در آغاز از پوست‌های ضخیم ساخته می‌شد و به مرور از برنز و آهن(حکمت، ۱۳۵۰: ۱۹۶).

این جنگ ابزار در ادوارمختلف ایران باستان و در تصاویر بر جای مانده به اشکال مختلف دیده می‌شود. در نقوش برجسته و به جامانده از ساسانیان انواعی از کلاه خود دو تکه یا کله قندی، چند تکه و کاسه‌ای (نمدی) دیده می‌شود.

کلاه خودهای این دوره کلاه خودهای بزرگی بودند که نه تنها سر و صورت را می‌پوشانیدند، بلکه پشت سر و گردن را هم بوسیله دو لبه از چرم یا زنجیر به کلاه خود وصل می‌کردند، تابه این شکل سربازان را از هرگونه ضربه دشمن حفظ کنند(مقتدر، ۱۳۶۲: ۱۶۷). همگی این خودها بر اساس یک مدل ساخته شده‌اند. یک عرقچین(گنبد) یا فلزی که بالای آن با پری تزیین یافته است که هر پر درجه اجتماعی صاحب آن را نشان می‌داد(پور بهمن، ۱۳۸۶: ۱۶۵). بیشتر به کارگیری این ابزار مربوط به سواره‌نظام سنگین اسلحه بود که هسته اصلی ارتش ساسانی را تشکیل می‌دادند، آن‌ها برای حفظ خود از ضربات دشمن از کلاه خود استفاده می‌کردند، اما کلاه خود دوتکه یا کله قندی عمدتاً توسط پیاده نظام استفاده می‌شد(فرخ، ۱۳۸۷: ۱۶). آن چه که از سنگ نگاره‌ها و تصاویر ساسانی برمی‌آید، حاکی از آن است که با گذشت زمان نه تنها در طول، عرض و قطر آن‌ها بلکه در وزن آن‌ها نیز تغییراتی دیده می‌شود، به طوری که وزن برخی از آنها نیز در طی زمان‌ها به چهار کیلوگرم نیز رسیده است.(مقتدر، ۱۳۶۲: ۱۷۴)

تغییرات ایجاد شده در طی سالیان در خودها باعث شد، تا شکاف‌های کوچکی در مقابل چشم و بینی برای دیدن و نفس کشیدن به وجود آید تا به این طریق دشمن نتواند به راحتی در قسمت سر و گردن به سواران آسیب وارد سازد، در این خصوص آمیئن

مارسلن که خود در جنگ سال ۳۶۳ میلادی لشکریان ایران را از نزدیک مشاهده کرده است شرح می‌دهد «... ایرانیان [نقاب صورت را طوری به سر محکم کرده بودند که از تمام بدن جز یک پارچه آهن چیز دیگر پیدا نبود و تیر نمی‌توانست به بدن آنها نفوذ نماید، مگر این که به دو سوراخ کوچک جلو چشم یا سوراخی که محاذی بینی برای تنفس تعبیه شده بود اصابت نماید...» (۱۳۱۰: ۹۷)

با این وصف از زبان یک مورخ بیگانه به خوبی متوجه می‌شویم که خودهای این دوره تا چه اندازه محکم و نفوذ ناپذیر بوده‌اند. از مدارک و منابع موجود چنین برمی‌آید که جنس کلاه خودهای متأخر ساسانی از نسل اول به مراتب سخت‌تر بوده باشند، به گونه‌ای که در مقدمات جنگ قادسیه طلیحه بن خویلد اسدی از غازیان اسلام به وسیله شمشیرش ضربه‌ای نیرومند به «جالینوس» از سرداران ایران وارد کرد، لیکن مقاومت کلاه خودش باعث نجات جان‌ش گردید و به عبارت دیگر او بوسیله کلاه خودش از شمشیر آن مرد عرب زخمی نگشت و در آن جنگ زنده بماند (البلاذری، ۱۳۶۴: ۲۱).

ارابه‌های جنگی

ساسانیان نیز مانند هخامنشیان در تشکیلات ارتش خود از ارابه‌های جنگی استفاده می‌کردند. از خصوصیات این ارابه‌ها و چگونگی کاربرد آن‌ها اطلاع زیادی در دست نیست. تنها اطلاعی که داریم در بعضی از موارد از این ارابه‌ها استفاده شده است چنانکه در جنگ ایران و روم در دوره ی خسرو پرویز از این ارابه‌ها بکار گرفته شده بود. در این مورد آمده: «... رازاتس و سربازان ایرانی با کمال شجاعت و دلیری با رومیان جنگ می‌کردند. این جنگ در دوازدهم سپتامبر سال ۶۲۷ میلادی روی داد و از آغاز روز تا یک ساعت به ظهر مانده به طول انجامید. بر حسب اتفاق رازاتس و برخی از سرداران ایرانی در این جنگ کشته شدند، در نتیجه ایرانیان دلسرد شده و ارابه‌های جنگی و بیست و هفت درفش را از دست دادند...» (مشکور، ۱۳۶۷: ۱/۱۱۴۰) معمولاً ارابه‌ها را یک یا دو اسب می‌کشید و یک ارابه ران و دو خدمه داشت که یکی تیراندازی و یکی زوبین اندازی می‌کرد. گاه هم هر دو زوبین انداز یا تیرانداز بودند.

نفت و واحد نفت اندازان

استفاده از نفت و مشتقات آن، یکی دیگر از شیوه‌هایی بود که برای تصاحب قلاع دشمن از آن استفاده می‌شد. ساسانیان هم به طور دایم از این ماده سیاه رنگ در جاهای مختلف استفاده می‌کردند، از آن جمله ساختن تیرهای آتش‌زا بود تا به وسیله آن تکه‌های آتش را به طرف قلاع نظامی دشمن پرتاب کنند این شیوه در جنگ‌های شاپور اول با رومیان پس از نبرد «ادسا» در سال ۲۶۰ میلادی برای تصرف قلاع دشمن به کار رفت و در ایران مرسوم گشت (قوزانلو، ۱۳۱۵: ۲۲۳) ساسانیان هرگاه موفق به محاصره ی قلعه‌ای می‌شدند، از این فن استفاده می‌کردند، زمانی که ایرانیان در سال ۳۵۹ میلادی در دوره شاپور دوم قلعه «آمیدا» را به محاصره در آوردند و با مقاومت سخت محصورین مواجه شدند، به پرتاب تیرهای آتشین روی آورده و پس از ۷۳ روز محاصره شدید با این شیوه موفق به تسخیر این قلعه شدند و آن را تصرف نمودند (محمد پناه، ۱۳۸۷: ۶۷) افزون بر تیرهای آتشین یا آتش‌زا، گوی‌ها و کوزه‌های آتشین نیز از مواردی است که کاربرد نفت و مشتقات نفتی را در فن قلعه‌گیری به نمایش می‌گذارد. سامی به نقل از هرکوبیس مورخ بیزانسی می‌نویسد: «... جنگجویان ایرانی کوزه‌های بسیاری که از گوگرد و قیر انباشته بود، آتش می‌زدند و به سوی رومی‌ها پرتاب می‌نمودند...» (سامی، ۱۳۸۹: ۲/۱۵۵) چه بسا که در بسیاری از موارد شعله‌ور شدن اشیای نفتی درون قلاع دشمن کار تسخیر را بر ایرانیان هموار می‌کرده است. نکته دیگر استفاده از نفت این بود که رومیان به دروازه‌دژهایشان اهمیت می‌دادند و سربازانی برای محافظت از آن‌ها برمی‌گزیدند ایرانیان نیز که به این مسئله واقف و آگاه بودند به کمک نفت و مواد نفتی سوزناک دروازه‌ها را به آتش می‌کشیدند تا بر دشمن پیروز شوند (راوندی، ۱۳۸۷: ۱/۴۷۴) هنگامی که این دروازه‌ها به وسیله آتش و یا برخورد سنگ‌های بزرگ از بین می‌رفتند، در واقع تصرف آن‌ها حتمی بود. بر حسب تعبیر نویسنده **آداب الحرب والشجاعه** در این دوره از ایجاد دود در تصرف قلعه‌ها نیز استفاده می‌شده است (مبارکشاه، ۱۳۴۶: ۴۲۲) این امر باعث می‌شد تا محاصره‌شوندگان نتوانند محاصره‌کنندگان را در تیررس خود داشته باشند و تحرک آن‌ها را به

راحتی رصد کنند در نتیجه با استفاده از دود و اختلال در کار دشمن به قسمت هایی از قلعه نفوذ می یافتند و ادوات و ابزار را در تخریب قلعه به کار می بردند تا آن را متصرف شوند دیگر اینکه از سه ابزار قلعه کوب، خشت انداز و منجنیق نیز در حمله به قلاع دشمن سود می بردند (نفیسی، ۱۳۸۳: ۳۸؛ مقتدر، ۱۳۲۰: ۱۰۴)

منجنیق

یکی دیگر از ابزار و آلاتی که ساسانیان در محاصره و به هنگام قلعه کوبی مورد استفاده قرار می دادند منجنیق بود، این وسیله که در اصل ایرانی و از لغتی فارسی به نام «من جی نیک» [آنچه برای ما نیکوست] و یا از کلمه منجک به معنای ارتفاع گرفته شده است (قائدان، ۱۳۸۶: ۴۷) می توانست قلاع دشمن را زیر پرتاب سنگ های بزرگ و الوارهای ستبر قرار دهد و یا گاهی نیز جانوران خرفستر- مودی- را در کفه یا قاشقک آن نهاده و به درون قلعه یا حصار شهر پرتاب نمایند. گفته شد **شاپور اول** ساسانی هنگامی که قلعه « نصیبین » را در محاصره گرفت دستور داد تا منجنیق و ارابه بر دیوار و برج های آن بستند سپس عقرب هایی را که از شهر «زور» آورده بودند را در صندوق های مخصوصی قرار داده، به وسیله منجنیق به داخل حصار شهر پرتاب نمودند (ثعالبی، ۱۳۶۸: ۳۰۹؛ گردیزی، ۱۳۴۷: ۲۲) به این شکل ایرانیان به کمک منجنیق بر قلعه مهم نصیبین که محل تجمع لشکریان روم در بین النهرین بود دست پیدا کردند، گاهی نیز به کمک این وسیله قطعه سنگ هایی به وزن ۲۰ تا ۳۰ کیلوگرمی را در فاصله ۴۰۰ متری به سمت دشمنان در قلعه پرتاب می کردند، افزون بر موارد یاد شده به وسیله این ابزار کثافت و فضولات انسانی یا حیوانی را به سوی قلاع دشمن و افراد داخل آنها پرتاب نموده و آنها را آلوده به انواع بیماری ها می کردند، دیگر اینکه گاهی نیز به کمک منجنیق نوع چرخ (نژاد اکبری، ۱۳۸۷: ۲۲۸) که کفه آن از آهن بود سرب گداخته، نفت و مواد آتش زا را به صورت گلوله های آتشین و مواد منفجره پرتاب می کردند تا با اصابت به دیوار قلعه آن را تخریب و منفجر سازند (قائدان، ۱۳۸۶: ۴۸) به گفته پروکوپیوس مورخ رومی قرن ششم میلادی قباد اول شاهنشاه ساسانی در محاصره شهر «دارا» از منجنیق استفاده کرده است (۱۳۸۲: ۳۷)

قلعه کوب

دژکوب یا قلعه کوب یکی دیگر از ادوات و ابزار محاصره در این دوره به حساب می‌آید. این وسیله که عده ای سرباز آن را حمل می‌کردند در واقع وسیله ای بود تا با آن ضربات متوالی به جهت آسیب بر دیوار دژها وارد سازند. ساسانیان به وسیله این ابزار فتوحات بی شماری کردند و از آن به عنوان یک آلت و ابزار مهم در تصاحب قلاع دشمنان سود بردند. **شاپور دوم** ساسانی در جنگ های خود با رومیان مرتب از این ابزار استفاده کرده است او به هنگامی که شهر «آمیدا» را در محاصره گرفت از برج های متحرک استفاده کرد اما چون نتوانست کاری از پیش ببرد و مدافعان برج ها را با مواد مشتعل آتش می زدند و با این شرایط نتوانست بر قلعه مذکور دست یابد، دستور داد تا به وسیله قلعه کوب های پولادین و نوک تیز ضربات متعدد بر دیوار شهر وارد کنند و آن چنان به این کار مبادرت ورزیدند که این شهر مهم رومی تسخیر گردید (غفوری، ۱۳۸۸: ۱۶۸) گاهی نیز برای اینکه این وسیله را از مواد مشتعل مدافعان قلعه ها محافظت کنند، روکشی چرمی بر سر آن می کشیدند تا این ابزار را از خطرات احتمالی دشمن نظیر مواد مذاب و یا مواد مشتعل مصون نگه دارند در دوره همین شاپور بود که در سال ۳۶۱ میلادی قلعه «بزابذ» تسخیر شد درحالی که کله قوچ های به کار گرفته شده در تسخیر این قلعه دارای روکشی از چرم بودند (مقتدر، ۱۳۶۲: ۸۸)

نردبان

نردبان نیز در آن دوره کاربرد داشته است، اگر چه نمی توان آن را به عنوان یک جنگ ابزار مستقل به حساب آورد اما ساسانیان از این وسیله به عنوان ابزاری برای بالا رفتن سربازان از دیوار قلعه ها استفاده می کردند، خسروانوشیروان هنگامی که شهر انطاکیه را به محاصره درآورد، از چند نقطه به دیوار شهر حمله کرد و همین که رومیان در یک قسمت از قلعه شکست یافتند، ایرانیان به دستور خسرو از طریق نردبان به کمک یک تخته سنگ بزرگی که در پهلو قلعه بود بالا رفتند و برج ها و باروهای قلعه مذکور را به آسانی تصاحب نمودند (پروکوپیوس، ۱۳۸۲: ۱۴۴).

برج های چوبی

آنها ابتدا برج هایی در مقابل قلعه ها و دژهای دشمن می ساختند، آن گاه عده ای سرباز در داخل آنها قرار می گرفت تا محاصره شوندهگان را تیرباران کنند، در همان حال تیراندازی که در پایین بودند رگباری از تیرهای آتشین خود را بر سر مدافعان دشمن فرود می آوردند تا توانایی و روحیه آنها را از بین ببرند(فرخ، ۱۳۸۷: ۴۰). گفته شده دوتن از شاهان ساسانی «**انوشیروان**» و «**قباد**» در محاصره شهر آمیدا از این شیوه استفاده کرده اند(پروکوپيوس، ۱۳۸۲: ۲۰۰-۳۸) علاوه بر سنگر و برج های ساخته شده از سنگ و خاک، از برج های چوبی نیز در قلعه گیری استفاده می شد، این برج های قابل حمل و متحرک مزیت هایی را دارا بودند که به هر جانب که می خواستند آن ها را پیش یا پس می کشیدند در حالی که از جانب بیرون از آهن پوشیده شده بودند و از روی آن اهالی قلعه ها را تیر می زدند(کریستین سن، ۱۳۸۴: ۱۸۰؛ مهرین (شوشتری)، بی تا (۸۷):

نتیجه گیری

شاهنشاهی ساسانی یکی از حکومت های ایران باستان است (۶۵۱- ۲۲۴ میلادی) که از همان آغاز شکل گیری با حکومت روم زد و خوردهایی پیدا کرد این دولت برخلاف حکومت ایرانی پیش از خود یعنی پارتیان که در لاک دفاعی فرو می رفتند به جنگ های تعرضی روی آورد به این شکل توانست جواب کوبنده ای به حملات رومیان دهد که این امر در واقع محصول مستقیم استفاده صحیح از ابزار و آلات جنگی بود ابزاری که نه تنها در قلعه گیری کارساز بودند بلکه در جنگ های تهاجمی و دفاعی نیز موثر واقع شدند با گذشت زمان نه تنها در سلاح های نظامی این دوره تحول های عظیمی صورت گرفت و در شکل و جنس کمان ها، خودها، شمشیرها، نیزه ها، زره ها و ... تغییرات اساسی پیدا شد بلکه ابزاری چون منجنیق و دژکوب هم که از دیگر ملل اقتباس شده بود به کار گرفته شد در سایه ی همین ابزار و آلات جنگی بود که شاهنشاهی ساسانیان در جدال با رومیان، اقوام ترک و بیابان گرد، تازیان (اوایل و اواسط این دوره) موفق ظاهر شد و قادر گشت تا وسعت شاهنشاهی هخامنشیان را احیاء نماید و در روزگار

خسرو دوم به منتهی وسعت خود برساند. آموزش و یادگیری فنون نظامی و بکارگیری سلاح‌های جنگی این دوره بسیار حائز اهمیت بود و آنچنان به یادگیری از فنون نظامی و روش درست به کارگیری از سلاح‌های این دوره اهمیت می‌دادند که حتی فردی که به مقام شاهی می‌رسید باید ضمن این که آداب و رسوم مملکت داری را می‌دانست و ضرورت داشت تا به کارگیری صحیح و بی‌نقص از سلاح‌های نظامی را هم بداند و در یک کلام فردی جنگجو و آشنا به ابزار آلات جنگی زمان خود باشد افزون بر نقشه‌ها و فنون رزمی حساب شده در سایه‌ی همین آلات و افزار جنگی بود که «والرین» رومی اسیر ایرانیان گشت «ژولین» (یولیانوس) مرتد به هلاکت رسید و تنی چند از سرکردگان اقوام بیابانگرد شرقی نظیر «شابه شاه» از پا درآمدند که این نشان از ارتشی نیرومند و مجهز به ابزار آلات جنگی مطمئن و به روز آن دوران دارد بنابراین یکی از دلایل قابل اعتنا در پیروزی‌های این دوره را باید به کارگیری مستقیم و استفاده مناسب و به موقع ساسانیان از ابزار جنگی به شمار آورد.

منابع:

ابن بلخی، (۱۳۸۵)، فارسنامه، تحشیه و تصحیح گای لیسترانچ و رینولد ال نیکلسون، چاپ اول، تهران، نشر اساطیر

اصفهانی، حمزه (۱۳۶۷)، تاریخ شاهان و پیامبران (سنی ملوک الارض و الانبیاء)، ترجمه جعفر شعار، چاپ دوم، تهران، نشر امیرکبیر.

البلاذری، احمد بن یحیی، (۱۳۶۴)، فتوح البلدان (بخش مربوط به ایران)، ترجمه آذرتاش آذرنوش، به تصحیح محمد فرزانه، چاپ دوم، تهران، انتشارات سروش.

امام شوشتری، محمدعلی، (۱۳۴۵)، «ارزش تعلیمات جنگی در عصر درخشان ساسانی»، مجله بررسی‌های تاریخی، شماره چهار، سال یکم.

ابن ندیم، محمد بن اسحاق، (۱۳۸۱)، الفهرست، ترجمه و تحشیه محمدرضا تجدد، چاپ اول، تهران، نشر اساطیر با همکاری مرکز بین‌المللی گفتگوی تمدن‌ها.

بلعمی، ابوعلی محمد بن محمد، (۱۳۸۶)، تاریخ بلعمی، به تصحیح ملک الشعرا بهار و محمد پروین گنابادی، چاپ اول، تهران، نشر هرمس.

- پروکویوس، (۱۳۸۲)، جنگ های ایران و روم، ترجمه محمد سعیدی، چاپ چهارم، تهران، نشر علمی و فرهنگی.
- پور بهمن، فریدون، (۱۳۸۶)، پوشاک در ایران باستان، ترجمه هاجر ضیاء سیکارودی، چاپ اول، تهران، نشر امیرکبیر.
- پورداد، ابراهیم، (۱۳۸۲)، زین ابزار (جنگ ابزارهای باستانی ایران)، چاپ اول، تهران، نشر اساطیر.
- _____، (۱۳۴۷)، «زین ابزار فلاخن»، مجله بررسی های تاریخی، شماره سیزدهم، سال سوم.
- _____، (۱۳۴۶)، «زین ابزار کمان و تیر»، مجله بررسی های تاریخی، شماره یک، سال دوم.
- تاج بخش، احمد، (۱۳۸۱)، تاریخ مختصر تمدن و فرهنگ ایران قبل از اسلام، چاپ اول، تهران، نشر یادواره کتاب.
- ثعالبی، ابومنصور عبدالملک بن محمد، (۱۳۶۸)، تاریخ ثعالبی (غرر اخبار ملوک الفرس و سیرهم)، ترجمه و مقدمه زتنبرگ و دیباچه مجتبی مینوی، پیشگفتار و ترجمه محمد فضائلی، چاپ اول، تهران، نشر نقره.
- حکمت، علیرضا، (۱۳۵۰)، آموزش و پرورش در ایران باستان، چاپ اول، تهران، نشر چاپخانه کیهان.
- خیام، عمر بن ابراهیم، (۱۳۸۵)، نوروزنامه، به تصحیح مجتبی مینوی، چاپ دوم، تهران، نشر اساطیر.
- دینوری، ابوحنیفه احمد بن داود، (۱۳۸۴)، اخبار الطوال، ترجمه محمود مهدوی دامغانی، چاپ ششم، تهران، نشر نی.
- ذکاء، یحیی، (۱۳۵۰)، ارتش شاهنشاهی ایران از کورش تا پهلوی، تهران، نشر چاپخانه وزارت فرهنگ و هنر.
- راوندی، مرتضی، (۱۳۸۷)، تاریخ اجتماعی ایران، جلد اول، چاپ ششم، تهران، نشر نگاه.
- زرین کوب، عبدالحسین، (۱۳۷۴)، روزگاران ایران (گذشته باستانی ایران)، چاپ اول، تهران، نشر سخن.

- سامی، علی، (۱۳۸۸)، تمدن ساسانی، جلد دوم، چاپ اول، تهران، نشر سمت.
- _____، (۱۳۸۹)، تمدن هخامنشی، جلد اول، چاپ اول، تهران، نشر پازینه.
- شارپ، رلف نارمن، (۱۳۸۴)، فرمان‌های شاهنشاهان هخامنشی، تهران، نشر پازینه.
- شیپمان، کلاوس، (۱۳۸۴)، مبانی تاریخ ساسانیان، ترجمه کیکاوس جهانداری، چاپ اول، تهران، نشر فرزانه روز.
- طبری، محمد بن جریر، (۱۳۶۸) تاریخ طبری، ترجمه ابوالقاسم پاینده، جلد دوم، چاپ چهارم، تهران، نشر اساطیر
- ضیاءپور، جلیل، (۱۳۴۳)، پوشاک باستانی ایرانیان (از کهن‌ترین زمان تا پایان شاهنشاهی ساسانی)، تهران، نشر هنرهای زیبای کشور اداره کل موزه‌ها و فرهنگ عامه.
- عمید، حسن، (۱۳۸۱)، فرهنگ فارسی عمید، جلد دوم، چاپ بیست و پنجم، تهران، نشر امیر کبیر.
- غفوری، علی، (۱۳۸۸)، تاریخ جنگ‌های ایران (از مادها تا به امروز)، چاپ اول، تهران، نشر اطلاعات.
- فرخ، کاوه، (۱۳۸۷)، سواره نظام زبده ارتش ساسانی، ترجمه بهنام محمد پناه، چاپ اول، تهران، نشر سبزان.
- فرشاد، مهدی، (۱۳۵۵)، «بررسی مهندسی کمان‌های باستانی ایران»، مجله بررسی‌های تاریخی شماره سه، سال یازدهم.
- قائدان، اصغر، (۱۳۸۶)، «منجیق در نبردهای مسلمانان»، نشریه کتاب ماه تاریخ و جغرافیا، شماره صد و سیزدهم.
- قوزانلو، جمیل، (۱۳۱۵)، تاریخ نظامی ایران، جلد اول، تهران، نشر چاپخانه مرکزی.
- کریستن سن، آرتور، (۱۳۸۴)، ایران در زمان ساسانیان، ترجمه غلامرضا رشید یاسمی، چاپ چهارم، تهران، نشر صدای معاصر.
- گردیزی، ابوسعید عبدالحی بن ضحاک، (۱۳۴۷)، زین الاخبار، به تصحیح، تحشیه و تعلیق عبدالحی حبیبی، تهران، نشر بنیاد فرهنگ ایران.
- مارسلن، آمیئن، (۱۳۱۰)، جنگ شاپور ذوالاکتاف با یولیانیوس امپراتور روم، ترجمه محمد صادق اتابکی، تهران، نشر اداره شواری نظام.

مبارکشاه، محمدبن منصور بن سعید، (۱۳۴۶)، آداب الحرب و الشجاعه، به تصحیح احمد سهیلی خوانساری، تهران، نشر اقبال.

محمد پناه، بهنام، (۱۳۸۷)، نبردهای ایران و روم، چاپ اول، تهران، نشر سبزان.
مشکور، محمد جواد، (۱۳۴۸)، تاریخ سیاسی ساسانیان، جلد دوم، چاپ دوم، تهران، نشر امیرکبیر.

_____، (۱۳۶۷)، تاریخ سیاسی ساسانیان، جلد اول (بخش دوم)، چاپ دوم، تهران، نشر دنیای کتاب.

مقتدر، غلام حسین، (۱۳۲۰)، تاریخ نظامی ایران، چاپ سوم، تهران، نشر چاپخانه بهار.
_____، (۱۳۶۲)، جنگ های هفتصدساله ایران و روم، چاپ اول، تهران، نشر دنیای کتاب.

مقدسی، مطهر بن طاهر، (۱۳۸۱)، آفرینش و تاریخ، ترجمه و تعلیقات محمدرضا شفیعی کدکنی، جلد اول، چاپ دوم، تهران، نشر آگاه.
مهرین (شوشتری)، عباس، (بی تا)، ایران نامه یا کارنامه ایرانیان در عصر ساسانی، تهران، نشر آسیا.

میرخواند، محمد بن خاوند شاه، (۱۳۸۰)، روضه الصفا فی سیره الانبیاء و الملوک الخلفاء، تحشیه و تصحیح جمشید کیان فر، جلد دوم، چاپ اول، تهران، نشر اساطیر
نژاد اکبری مهربان، مریم، (۱۳۸۷)، شاهنشاهی ساسانیان، چاپ اول، تهران، نشر مطالعات و نشر کتاب پارسه.

نفیسی، سعید، (۱۳۸۳)، تاریخ تمدن ایران ساسانی، به اهتمام عبدالکریم جربزه دار، چاپ اول، تهران، نشر اساطیر.

نولدکه، تئودور، (۱۳۷۸)، تاریخ ایرانیان و عرب ها در زمان ساسانیان، ترجمه عباس زریاب، چاپ دوم، تهران، نشر پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

نیر نوری، حمید، (۱۳۴۵)، سهم ایران در تمدن جهان، چاپ دوم، تهران، نشر شرکت ملی نفت ایران.

یادگار زیران، (۱۳۷۴)، (متن پهلوی با ترجمه فارسی و آوانویسی لاتین و سنجش آن با شاهنامه) یحیی ماهیار نوابی، چاپ اول، تهران، نشر اساطیر.